در آستانه رکود

حسینی، صفدر

اختیار دولت قرا می‏دهد.دست کم هیچ کس‏ کاهش بهای نفت را به مانند سال‏های میانی جنگ‏ سال‏های 1985 و غیره پیش‏بینی نمی‏کند.

2-حجم اقتصاد غیر رسمی نوعی مقاومت را در اقتصاد کشور ایجاد کرده ات.حجم اقتصاد غیر رسمی حدود 25 تا 30 درصد است.این اقتصاد به خوبی کار می‏کند و سیاست‏های اقتصادی دولت‏ تأثیر چشمگیری در آن ندارد.البته اقتصاد غیر رسمی‏ از شرایط سیاسی و اقتصادی ایران تاثیر می‏پذیرد، ولی بیشتر به عوامل اقتصادی واقعی واکنش نشان‏ می‏دهد و خود را با شرایط سیاسی منطبق می‏کند (برای مثال می‏توان به بازار فیلم و ویدئو اشاره کرد که سیاست‏های دولت،کار را در آن مشکل‏ می‏سازد،ولی متوقف نمی‏کند.یا با وجود رویکردهای گوناگون نسبت به سرمایه‏گذاری‏ خارجی،تبادلات مرزی و ورود و خروج سرمایه‏ به دست ایرانیان خارج از کشور همواره وجود دارد).

3-افزایش شمار ثروتمندان و حجم‏ سرمایه‏گذاری‏ها در سال‏های اخیر پایه‏های‏ اقتصادی مستقل از دولت را ایجاد کرده است و به‏ نوبه خود مانع نشست شدید اقتصاد می‏شود.

دغه‏دغه دولت،راضی‏ کردن مردم از نظر اقتصادی است‏ و این هدف را، کم و بیش،با سیاست‏های‏ توزیعی،پیگیری می‏کند

بدین ترتیب صنایعی همچون اتومبیل‏سازی، سیمان و یا صنایع مورد حمایت دولت به کار ادامه‏ خواهند داد.در واقع رشد این صنایع کاهش نخواهد یافت،مگر اینکه قیمت نفت کاهش یابد.

در مجموع می‏توان تداوم وضع کنونی را،دست کم‏ برای سه سال آینده،متصور بود؛مقصود کوشش تا حد امکان برای راضی نگهداشتن مردم در پرتو ثبات‏ یا افزایش درآمدهای نفتی است.البته طبعا با تغییر شرایط سیاسی و بین المللی باید در انتظار تغییر این‏ چشم‏انداز بود.

در آستانه رکود

 دکتر صفدر حسینی

در تحلیل اقتصاد،افزون بر توجه به شاخص تورم باید به شاخص رشد اقتصادی در اشتغال هم توجه کرد. براساس اطلاعات و آمار موجود،نرخ بیکاری در کشور افزایش یافته و از 4/10 به‏ 4/11 درصد رسیده است که رقم‏ بالایی است.اگر بحث تشکیل‏ سرمایه همچنان مدنظر باشد، نمی‏توان چندان به شاخص‏ قیمت مصرف کننده( cpi ) پرداخت.همچنین توجیه‏ نظری موضوع هم چندان‏ موضوعیت ندارد،که نکته بسیار مهمی است.این علیرغم فضای‏ موجود است که توجه به‏ بنگاه‏های کوچک در دستور قرار دارند.یعنی شاخص در این مورد در حال افزایش است.

در میان شاخص‏های اقتصادی‏ که بانک مرکزی در سال 1384 ارائه داده است حداقل چهار،پنج شاخص مهم وجود دارند که بین 50 تا 80 درصد کاهش یافته‏اند:

رشد CPl در سال 83 نسبت به سال قبل از آن 2/15 بود.این رقم در سال 84 به رقم 1/12 رسیده است.

شاخص بهای کالاهای صادراتی از حدود 4/28 درصد به 2/16 کاهش یافته است.

کاهش چشمگیر شاخص اسناد برگشتی

کاهش شاخص چک‏های برگشتی واخواست‏ شده.

از این آمار می‏توان نتیجه گرفت که اقتصاد کشور با وجود بهای‏ چشمگیر کنونی‏ نفت،پیش‏بینی‏ها برای رشد اقتصادی‏ امسال فراتر از 5 تا 5/5 درصد نیست

احتمالا در آستانه رکود قرا دارد.

البته خوشبختانه در شرایط افزایش چشمگیر بهای نفت‏ و به تبع آن افزایش درآمد نفت قرار داریم؛درآمدی که‏ می‏تواند به سرمایه‏گذاری و رشد اقتصادی تبدیل شود.

همچنان که می‏دانیم رشد اقتصادی کشور در سال 1381، یعنی زمانی که بهای نفت به مراتب‏ کمتر از امروز بود،به 7 درصد رسید،این در حالی است که با وجود بهای چشمگیر کنونی‏ نفت،پیش‏بینی‏ها برای رشد اقتصادی امسال فراتر از 5 تا 5/5 درصد نیست.این امر گویای‏ جهت گیری نادرست‏ اقتصادی است.

در این میان باید به موضوع ورود سرمایه خارجی نیز اشاره داشت. براساس برنامه امسال باید حدود 2/2 میلیارد دلار سرمایه وارد کشور شود،این در حالی‏ است که پیش‏بینی 8/1 میلیارد دلاری برای جذب‏ سرمایه‏گذاری خارجی برای سال 1384 تحقق نیافته‏ است.

به این ترتیب باید گفت که دولت فاقد مجموعه‏ سیاست‏های اقتصادی روشن درباره متغییرهای کلان‏ و به طور کلی دولت فاقد انسجام نظری و عملی در عرصه اقتصاد ملی است.در یک کلام دولت نه به برنامه‏ چهارم و سند چشم‏انداز عمل می‏کند و نه خود برنامه‏ای‏ منسجم ارائه می‏دهد.